

نقش بازی در رشد و پرورش جسمی و فکری کودکان و نوجوانان

□ عبدالله علیزاده *

چکیده

بازی وسیله‌ای است جهت آشنایی و شناخت کودکان و نوجوانان با جهانی که در آن زندگی می‌کند و نیز راه شناخت امکاناتی است که در اطراف خود دارد و از این طریق است که رشد عاطفی، اجتماعی، عقلی کودک تحقق می‌یابد. در جریان این فعالیت نیروهای روحی و جسمانی و کل نیروهای موجود در کودک یعنی حافظه، دقت، تصور، نظم، تربیت، مهارت، و... رشد پیدا می‌کنند و شخصیت کودک در ضمن بازی شکل گرفته و تکامل پیدا می‌کند. دگرگونی‌هایی که در ضمن بازی برای کودک روی می‌دهد باعث رسیدن او از مرحله‌ای به مرحله‌ای تر می‌گردد و خلاقیت در کودک شکوفا می‌شود و معلوماتش در مورد محیط و نحوه زندگی اش بیشتر می‌شود و راه برای عشق و دوستی با دیگران و اطرافیان باز می‌کند و کودک با مقررات اخلاقی آشنا می‌شود و او یاد می‌گیرد که راستگو و درستکار و آزادی خواه و... باشد.

کلید واژه: بازی، پرورش، جسمی، فکری، کودکان و نوجوانان

چرایی پرداختن به بازی

این که چرا بشر به بازی می‌پردازد مورد بحث بسیاری از علما و دانشمندان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. روانشناسان و دانشمندان پاسخ‌های متعددی در مورد بازی کودکان داده‌اند. «(ویلیام استرن)^۱ درباره بازی می‌گوید: بازی غریزه‌ای برای رشد و نمو استعدادها است و یا تمرینی برای اعمال آتی». (نجاتی، حسین، ۱۳۷۴، ص ۱۱۵) «(آدلر)^۲ معتقد است که بازی به کودکان امکان می‌دهد که میل به برتری جویی و خودنمایی خویش را به سادگی نشان داده و آن را آرام سازد. بدین معنا که کودکان خردسال در بازی‌های خویش واقعیت را با توجه به خواسته‌های خود دگرگون جلوه دهند» (عطاران، محمد، ۱۳۶۸، ص ۱۳۵). «(جان دیوئی)^۳ نیز اعتقاد داشت که تمام موجودات زنده براساس طبیعت خویش باید فعال باشند و بازی هم به نوعی فعالیت محسوب می‌شود که البته آزادانه و خود به خود صورت می‌پذیرد». (نجاتی، حسین، ۱۳۷۴، ص ۱۱۵) (گروس)^۴ بازی را وسیله‌ای برای آمادگی فرد جهت زندگی در بزرگسالی دانسته و همانگونه که یک بچه گریه خود را جهت فعالیت‌های غریزه، نزاع و زورآزمایی می‌داند» (حمیدی، مهرزاد، ۱۳۶۹، ص ۱۵).

مسئله بازی را نمی‌توان در محدوده مشخصه‌هایی که روانشناسان و دانشمندان به آن پاسخ داده‌اند محدود کرد. اما وقتی که از بازی در تربیت کودک در اسلام بحث می‌کنیم با توجه به تصویر مجموعه‌ای که از انسان داریم از بازی در جهت ترکیه و تحول انسان استفاده نموده و به بهانه آن جسم و روح او را پرورش می‌دهیم.

۱- اهمیت بازی

ارزش و اهمیت بازی در دوران کودکی نکته‌ای است که در روایات اسلامی به آن اشاره شده است.

^۱ William stern .

^۲ Adler .

^۳ Jon Dewey .

^۴ Gross .

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سِنِينَ» (الکلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸ ص ۴۷). نوجوانان بایستی هفت سال بازی کنند و هفت سال قرآن بیاموزند و هفت سال حلال و حرام خدا را یاد بگیرند. پیامبر اسلام به پدران و مربیان گوشزد می کند که اگر در کودکان حرکت های فوق العاده مشاهده کردند از او مأیوس و نا امید نگردند. زیرا ممکن است این حالت در خردسالی منجر به اخلاق فاضله او به هنگام بزرگسالی شود.

امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید: «تَسْتَحِبُّ غَرَامَةَ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ» (همان، ص ۵۱). مستحب است که کودک در خردسالی بازیگوش باشد تا در بزرگسالی حلیم و بردبار شود. مجلسی دوم در ذیل این روایت «غرامه» را به بداخلاقی و فساد و شیطنیت و بالاخره شدت علاقه کودک به بازی و فرار از مدرسه تفسیر کرده است و اضافه می کند که این حالت در کودکان نشانه عقل و استقامت آنها در هنگام بزرگسالی است و باید طفل این چنین باشد اما اگر کودکی مطیع و بی جنبش و یا به اصطلاح خوش اخلاق و آرام باشد هنگام بزرگسالی کم هوش و کم استقامت است. چنانچه این امر نیز به تجربه رسیده است. (حجتی، سید محمد باقر، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۵۱-۲۵۲). بازی وسیله ای برای سازندگی کودک است؛ کودک از راه بازی می تواند به استعدادها، توانایی ها، خواسته ها و ضعف های خود پی ببرد و مقابله با شرایط زندگی را بیاموزد و او در می یابد برای اینکه به هدف برسد ملزم است که مقررات را رعایت و با دیگران همکاری کند و از دیگران کمک طلب نماید و تجربه ای که از بازی در دوران کودکی کسب کرده است خود را برای فردای بهتر آماده کند. فروبل بر این اعتقاد است که بازی مهم ترین عوامل رشد کودک از لحاظ جسمی و ذهنی و تکامل خواسته ها و امیال کودک است. بازی کودک را قادر می سازد که خواسته ها و امیال را به زندگی روزانه خود وارد ساخته و با شناخت توانایی ها و ویژگی های خود با مسیر آینده زندگی خود آشنا گردد. (مهبجور، سیامک رضا، ۱۳۶۸، ص ۵۶).

۲- گفتار و رفتار معصومین علیهم السلام

یکی از فعالیت های روزمره کودکان و نوجوانان بازی است. بازی یکی از نیازهای طبیعی آنها

می‌باشد و بسیاری از والدین و بعضی از مسئولان اجتماع از اهمیت و تأثیر بازی‌ها و سرگرمی‌ها در کودک و نوجوان غافل‌اند و از فراهم کردن امکانات لازم برای آنها خودداری می‌کنند و حتی آن را کاری عبث و بیهوده می‌پندارند.

«والدین و سرپرستان کودکان با وجود علم و آگاهی به این نیاز کودکان شاید توجه کافی برای رفع این نیاز و آثار تربیتی فراوانی که بر رفع آن مترتب است نشان نمی‌دهند و از آثار زیان‌باری که بر بی‌توجهی به این نیاز کودک و رفع نکردن آن مترتب است غافل‌اند.» (حسینی زاده، سید علی ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۸۰). در مدارس و مراکز آموزشی اگر امکانات و وسایل بازی برای کودکان و نوجوانان فراهم نباشد به طوری که در ساعت‌های ورزش و زنگ تفریح به اندازه کافی فعالیت و جنب و جوش نداشته باشند؛ انرژی متراکمی که در وجود کودکان و نوجوانان نهفته است تخلیه نشود، آرامش فکری لازم را در جهت تمرکز حواس و کلاس پیدا نخواهند کرد. در واقع مدرسه مسئول فراهم کردن امکانات ورزشی و بازی است و مسئولین و معلمان هادی و راهنمای کودکان و نوجوانان هستند. باید کنترل و هدایت آنها به گونه‌ای باشد که آنان در طول روز وقت خود را بیهوده تلف نکنند. از بازی و ورزش و از فعالیت روزمره در اوقات مناسب در جهت آرامش فکر و روان خود وسعت بخشد و به جریان یادگیری و کسب علم و دانش و رسیدن به اهداف عالی تعلیم و تربیت مساعدت جویند.

اسلام به عنوان یکی از محکم‌ترین و قابل قبول‌ترین الگوی زندگی سعی بر آن داشته که جنبه‌ای مهم از زندگی اجتماعی موجود انسانی یعنی کودکی و بازی را فراموش نکند و در جهت عمل کردن در آن دوره، دستورات را به پیروان خود می‌دهد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُوَدِّعُ سَبْعَ سِنِينَ» (الحرعاملی، محمدبن الحسن، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۱، ص ۴۷۵). فرزندت را تا هفت سال رها بگذار تا بازی کند و (پس از آن) هفت سال او را تربیت کن.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه نقل می‌کند: «وَ كَانَ الْحَسَنُ (ع) أَكْبَرَ وَلَدِ عَلِيٍّ وَ كَانَ سَيِّدًا سَخِيًّا حَلِيمًا وَ كَانَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يُحِبُّهُ سَابِقَ يَوْمَا بَيْنَ الْحُسَيْنِ (ع) وَ بَيْنَهُ فَسَبَقَ الْحَسَنُ (ع) فَاجْلَسَهُ عَلَى فَخْذِهِ الْيُمْنَى ثُمَّ اجْلَسَ الْحُسَيْنَ عَلَى الْفَخْذِ الْيُسْرَى» (معتزلی، عبدالحمیدبن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ص ۲۷). حسن بزرگترین فرزند علی علیه السلام بود و مردی سخی و حلیم و بردبار بود و پیامبر او را دوست می‌داشت. روزی پیامبر بین او و حسین مسابقه دو گذاشت. حسن از

حسین علیهما السلام سبقت گرفت. پیامبر حسن را بر زانوی راست خویش و حسین را بر زانوی چپ خویش نشاند.

آنچه از این رفتار پیامبر استفاده می‌شود، ایجاد رقابت در بازی بین کودکان و نوجوانان است. زیرا کودکان تمام سعی و تلاش و نیرو و قدرت خود را برای پیروز شدن در مسابقه به کار می‌گیرند که این خود باعث رشد روانی و تقویت روحی روانی و رشد فکری آنان می‌شود. علقمه از ابو سلمه روایت کرده است که: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَدُلُّعُ لِسَانَهُ لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَيَرَى الصَّبِيَّ لِسَانَهُ فَيَهْشُ إِلَيْهِ فَقَالَ عُيَيْنَةُ بْنُ بَدْرِ الْفَزَارِيُّ وَاللَّهِ لَيَكُونَنَّ لِي الْإِبْنُ رَجُلًا قَدْ خَرَجَ وَجْهُهُ وَ مَا قَبْلُتُهُ قَطُّ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «مَنْ لَمْ يَرْحَمْ لَا يُرْحَمْ» (ابن ابی فراس، ورام، ۱۳۶۹، ص ۱۱۳). پیامبر زبان خود را برای حسن و حسین بیرون می‌آورد و همین که چشم کودک به زبان پیامبر می‌افتاد بطرف او می‌دوید. مردی بنام عیینة بن بدر فزاری (که شاهد این شیرین کاری پیامبر نسبت به حسنین بود) از روی شگفتی گفت به خداوند سوگند! برای من پسری می‌باشد که بزرگ شده و به صورتش (موی) روئیده با این حال برای يك بار او را نبوسیده‌ام. پیامبر که از سنگدلی عیینة سخت در شگفت شده بود فرمود: هر که لطف و مهر نشان ندهد مورد مهر و محبت قرار نگیرد.

«عن يعلى العامري أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى طَعَامٍ دُعِيَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ بِحُسَيْنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَلْعَبُ مَعَ الصَّبِيَّانِ فَاسْتَقْبَلَ النَّبِيُّ أَمَامَ الْقَوْمِ ثُمَّ بَسَطَ يَدَيْهِ فَطَفَرَ الصَّبِيُّ هَاهُنَا مَرَّةً وَهَاهُنَا مَرَّةً وَ جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُضَاحِكُهُ حَتَّى أَخَذَهُ فَجَعَلَ يَدِيهِ تَحْتَ ذَقْنِهِ وَ الْأُخْرَى تَحْتَ قَفَاةٍ وَ وَضَعَ فَاهُ عَلَى فِيهِ وَ قَبَّلَهُ...» (النوري، ميرزا حسين، ۱۴۰۴ ق، ج ۱۵، ص ۱۷۱) مردی به نام يعلى عامري از محضر رسول اکرم صلى الله عليه وآله خارج شد تا به ضیافتی که دعوت شده بود برود. ناگاه حسین را دید که با کودکان مشغول بازی است. طولی نکشید که رسول اکرم صلى الله عليه وآله به همراه اصحاب خود از منزل خارج شدند. وقتی پیامبر حسنین را دید از اصحاب جدا شد در حالی که به سوی فرزندش قدم برمی‌داشت، دستانش را گشود تا او را در آغوش بگیرد. کودک خنده کنان این سو و آن سو می‌گریخت و رسول الله صلى الله عليه وآله نیز خندان پی او می‌دوید و سرانجام کودک را گرفت و دستی زیر چانه او و دست دیگر را پشت گردن او گذاشت و لب بر لبش نهاد او را بوسید. بنابراین گفتار و رفتار مریبان الهی حاکی از اهمیت و توجه کردن به بازی کودکان است و بر این امر تأکید داشتند و

حتی خودشان نیز با فرزندان شان هم بازی می‌شدند.

۳- گفتار مربیان بشری

از مربیان الهی که بگذریم، مربیان کارآزموده بشری نیز بر نقش سازنده بازی در تربیت تأکید می‌کنند و می‌گویند بازی برای کودکان مانند آب برای ماهی حیاتی است. همانگونه که زندگی ماهی بسته به آب است شادابی کودکان در بازی است. فارابی گوید: شایسته است در مدرسه همراه با کودک دانش آموز کودکان آموزنده دیگر با آداب نیک و عادات پسندیده وجود داشته باشد چرا که او اکثر چیزها را از کودکان دیگر می‌آموزد. اگر کودک روز خود را فقط با والدین و معلم خود به سر برد کسل و ناراحت می‌گردد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه با همکاری علی محمد کاردان و دیگران، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۸۲).

در تربیت قدیم، دوره کودکی را مقدمه زندگی بزرگسالی می‌دانستند و بر کودکان فشار می‌آوردند تا ادای بزرگسالان را در بیاورد ولی مربیان جدید کودکی را عین زندگی می‌داند و می‌گوید: نباید کودکان از فعالیت هایی که مناسب با دوره کودکی آنان است باز داریم. جان دیوئی که شهرت جهانی اش مدیون دستگاه آموزش و پرورش است می‌گوید: آموزش و پرورش به منزله مقدمه زندگی فرد نیست بلکه عین زندگانی است. معلم یا پرورشکار حق ندارد که در دوره آموزش کودک او را از مقتضیات سنی اش محروم سازد و وادار به کارهایی کند که از احتیاجات وجود او بیرون است. بگذارد آنها مطابق با تمایلات بچه گانه خود رفتار کنند و اگر در رفتار محدودیت‌های طاقت فرسا نباشد در ضمن عمل‌های کودکان، راه و رسم بزرگترها را بیاموزند و استعدادهای درونی خود را تا سر حد امکان توسعه داده و آشکار سازد. (بهشتی، احمد، ۱۳۷۷، ص ۶۳).

۴- تأثیر بازی در رشد عضلانی

همانطوری که فعالیت فکری زمینه ساز رشد اندیشه می‌باشد، فعالیت های جسمی نیز سبب سلامت و توانایی جسم می‌گردد. مقدار تغذیه عضلات بدن نسبتی مستقیم با میزان فعالیت بدن دارد یعنی هرگاه عضله‌ای در شرایط یکسان از عضو دیگر بیشتر فعالیت کند، عضو فعال تغذیه بیشتری

خواهد داشت. فعالیت عضلات باعث می‌شود که سلول‌های عضلانی حجیم‌تر و بزرگ‌تر شوند و از طرف دیگر سلول‌های عضلانی که فعالیت نداشته‌اند به تدریج کوچک‌تر و ضعیف‌تر می‌شوند و به سلامت جسمی افراد آسیب می‌رساند. (مهبجور، سیامک رضا، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷).

۵- تأثیر بازی در رشد روانی

تأثیر بازی در رشد عقلی کودکان خصوصاً در دوران اول کودکی که روح و روان کودک در این دوران به سرعت رشد می‌کند از اهمیت خاص برخوردار است. در روانشناسی معروف کودک بنام گزل^۱ و ایلک^۲ این گونه بیان داشته است: «بازی‌های کاملاً جاذب، برای رشد کامل عقلی ضروری به نظر می‌رسد» (غلامی، غلامعلی، بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره بازی، مجله تربیت، سال پانزدهم، شماره ۵، ص ۱۰)

۶- تأثیر بازی در رشد شخصیت

کودکان به وسیله بازی، قابلیت‌های خود را شکوفا می‌کنند و به وسیله آن چیزهایی یاد می‌گیرند که دیگران نمی‌توانند به آنها یاد دهند. راهی که کودکان بواسطه آن با واقعیت‌های دنیای خارج ارتباط برقرار نموده و با موجودات دنیای خارج آشنا می‌گردند، کودک این تجربیات و کشفیات و یادگیری را مطابق سلیقه و به طریقی که خاص خود او است انجام می‌دهند. او از طریق بازی یاد می‌گیرند، ابداع می‌کنند، تجربه می‌کنند. کودک می‌تواند به شناخت خود و استعدادها و توانایی خود به نکات مثبت و منفی خود پی ببرند و با شناخت خود شخصیت خود را تحکیم بخشند و همچنین کودک از راه بازی مقابله با شرایط زندگی را می‌آموزند و در می‌یابند که هرگاه اگر بخواهند به هدف خود برسند، ملزم و ناچار است که برخی از مقررات جامعه را رعایت کنند. بازی به کودک کمک می‌کند آنچه در درون دارد و قادر به بیان کردن آن نیست را بیان کند؛ بازی کمک می‌کند که تمام استعدادهای کودک به طور مساوی رشد کند.

۱. Gesel

۲. Aileg

«مک دوکال»^۱ بازی را لازمه رشد و تعامل انسان و شناخت شخصیتی او می‌داند. او عقیده دارد که بدون بازی شخص قادر به شناخت طبیعی خود و کسب معرفت دنیای خارج نخواهد شد. زیرا از طریق بازی است که یک زندگی سالم رشد یافته و قدرت اراده و تصمیم‌گیری به صورت کامل رشد خواهد یافت» (مهجور، سیامک رضا، ۱۳۸۳، ص ۱۸) از نظر «مید»^۲ کودکان از طریق بازی شخصیت خود را رشد می‌دهند. رشد شخصیت کودکان از طریق بازی در دوران اولیه کودکی و یا تقلید و اجرای عمل نقش بزرگسالان شکل می‌گیرد و کودک در ضمن بازی ملزم است مقرراتی را که بازی‌ها شکل می‌دهد به کار بندد و از این طریق با تقلید از رفتار دیگران رفتار، شخصیت خود را شکل می‌دهد. (عطاران، محمد، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳-۱۲۲).

۷- همراهی در بازی

یکی از طرق پرورش و رشد نیروی درونی در کودک، شرکت بزرگسالان در بازی‌های آنان است. وقتی پدر و مادر و مربیان در بازی کودکان شرکت می‌کنند و خود را تنزل می‌دهند و یا آنان را در بازی و کارهای دیگر مساعدت می‌کند، روح کودک شاد می‌شود. زیرا کودکان دوست دارند که والدین و مربیان آنها را درک کنند و به آنها توجه داشته باشند. وقتی پدر و مادر و مربیان در بازی با کودکان شرکت می‌کنند، کودک احساس می‌کند که کارهای او آنقدر ارزشمند است که والدین و مربیان با او همکاری می‌کنند و نفوذ در کودک برای ایجاد عادات و روش‌های نیکو از این طریق میسر می‌شود. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در کلامی شیوا می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَصَابَ لَهُ» (صدوق، ابی جعفر محمد بن علی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۴۸۳). کسی که نزد او کودکی است باید به حالت کودک درآید و با او هم بازی شود. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبَا» (الکلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، ج ۶، ص ۴۹). هر کس کودکی دارد باید برای او کودک شود. یعنی رفتارهای کودکانه انجام دهد و خود را به صورت هم بازی برای او درآورد. «بازی برای کودک درس است، پدر می‌تواند در همگام شدن با کودکش این درس را به نحو احسن و مورد نظر به او بدهد. او می‌تواند در

^۱ Mcdougall

^۲ Mead

سایه بازی و فعالیت های مختلف، کودک را منظم و مرتب کند و به او یاد دهد که به حقوق دیگران احترام بگذارند و سختی ها و مرارت های زندگی را تحمل کند» (نجاتی، حسین، ۱۳۷۴، ص ۱۱۲).

«پدر باید با کودک خویش بازی کند و با همگام شدن در این بازی ها او را آنگونه که به صلاح اش می باشد هدایت کند و انحرافات وی را اصلاح کند» (همان). آری مریمان با شرکت در بازی کودکان می تواند در آنها نفوذ کند و جهت بازی را بگونه ای هدایت کند که برای کودک بیشترین مطلوبیت و بازدهی را داشته باشد و در مراحل مختلف بازی روش های گوناگون را اتخاذ کند و همیشه این امکان را به کودک بدهند که او مبتکرانه و خلاق بتواند عمل کند تا فکر، عقل، و استعداد او رشد کند.

همبازی شدن والدین و دیگران به آنان خودباوری را در وجود کودکان زنده می کند. ابورافع یکی از یاران پیامبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله روزی با امام حسن علیه السلام که کودک بود همبازی شده بود، آنان سنگ های مخصوص را انتخاب نموده و به داخل حفره می انداختند و در صورت برنده شدن بایستی برنده بر دوش دیگری سوار می شد. وقتی که نوبت سواری به ابورافع رسید حضرت مجتبی به او فرمود: «اترك ظهراً حمله رسول الله» آیا می خواهی بر دوش کسی سوار شوی که رسول خدا بر دوش خود حمل می کرد؟ ابورافع از سواری منصرف می شد و هر گاه امام حسن به هدف می زد ابورافع می گفت همان طوری که تو به من سواری ندادی من هم به تو سواری نمی دهم حضرت به او می فرمود: «أَمَا تَرْضَى أَنْ يَحْمِلَ بَدَنًا حَمَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ» (طبری، عماد الدین محمد، ۱۴۲۰ ق، ص ۱۳۹) آیا دوست نداری کسی را که رسول خدا بر دوش خود می نشاند بر دوش خود سوار کنی؟ ابورافع با کمال رغبت او را بر دوش خود گرفته و سواری می داد. عزت نفس و شخصیت روحی و روانی این کودک از خلال گفتار و کیفیت استدلال او کاملاً پیداست که شخصی که پیامبر در آغوش خود پرورش داده است بزرگی خود را باور دارد و هرگز با زبونی و ذلت سخن نمی گوید.

۸- میانه روی در بازی

میانه روی در هر کاری به ویژه بازی سودمند است و افراط در آن زیان های فراوانی در پی دارد. لذا کودکان همان اندازه که بزرگتر می شوند باید از گستردگی بازی کاسته شود و رفتار آنها به کارهای مفید اجتماعی هدایت شود. اگر کودک در سنین بالاتر در حد افراط به بازی پردازد و بیشترین اوقات خود را

به بازی صرف کند، از سعادت و رستگاری فاصله خواهد گرفت و اختلال شخصیتی را به دنبال خواهد داشت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «دَعِ اِبْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ» (الکلبی، محمد بن یعقوب، ۱۳۴۸، ج ۶، ص ۴۶). بگذار فرزندت تا هفت سالگی بازی کند. با توجه به این حدیث بازی تا حدودی در سال‌های کودکی برای فرزندان لازم است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لَا يَفْلَحُ مَنْ وَلِيَ بِاللَّعِبِ» (تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم، ص ۴۶۰). کسی که عاشق بازی کردن باشد خوشبخت و رستگار نخواهد شد. همچنین حضرت می‌فرماید: «لَا يَتُوبُ الْعَقْلُ مَعَ اللَّعِبِ» (همان ص ۵۵) تفکر و تعقل با بازی و سرگرمی جمع نمی‌شود. بنابراین کسانی که در سنین بزرگسالی همچنان به بازی و سرگرمی مشغول باشند چنین افرادی از جاده عقلانیت و تفکر به دور می‌مانند و نتیجه‌ای جز محرومیت به دست نخواهند آورد.

۹- بازی درپچه‌ای برای کشف واقعیت‌های خارج

بازی در دوران کودکی وسیله ارتباطی است که کودک بواسطه آن با خود و یا دنیای خارج از خود به تعامل می‌پردازد و ارتباط منطقی برقرار می‌کند و در هنگام تعامل با محیط و افراد، عواطف و احساسات، خشم و نفرت، افسردگی و شادی و همه آرزوهای درونی و بیرونی خود را بروز می‌دهد. ولی برای بازی خود دلیل ندارد و راجع به هدف آن از خود و دیگران سؤال نمی‌کند بلکه او از روی میل و رغبت با خوشحالی بازی می‌کند و در ضمن کودک در همان حال که بازی می‌کند مسائل و نکاتی را می‌آموزد. لذا است که والدین و مربیان می‌توانند جهت و مسیر بازی را به سوی آموزش هدایت کنند. «فرانگ^۱ می‌گوید بازی که ما در آغاز شناسایی و فهم آن هستیم، راهی است که بچه‌ها به وسیله آن امور را می‌آموزند. اموری که هیچ فردی و از هیچ راهی قادر به آموزش آن به کودک نیست. بازی درپچه‌ای است برای کشف واقعیت‌های خارج از طرف کودک؛ از طریق بازی بچه‌ها نمونه‌های متعدد و پیچیده و ظریف زندگی انسان‌ها و روابط ما بین آن را تمرین و تکرار می‌کنند تا آن‌ها را فرا گیرند.» (مهبجور، سیامک رضا، ۱۳۸۳، ص ۳۸) تکنولوژیست‌های آموزشی با بهره‌گیری از ماهیت بالقوه بازی، وسایل مختلف و در ضمن پیچیده را برای استفاده از بازی جهت آموزش دانش‌آموزان در نظر

قرار داده اند و برای کلیه مراحل آموزشی وسایل مناسب ابداع کرده اند که اساس استفاده از این وسایل برای آموزش دانش آموزان متمرکز شده است. (همان، ص ۲۱۱).

۱۰- انواع بازی

بازی ها را به طور کل می توان به چند نوع تقسیم نمود:

- ۱- بازی های فردی که به تنهایی انجام می گیرد.
- ۲- بازی های اجتماعی که گروهی انجام می گیرد.
- ۳- بازی های فکری که هوش و استعداد را تقویت می کند.
- ۴- بازی های ورزشی که جسم را تقویت می کند.
- ۵- بازی های تهاجمی و تدافعی که کودک و نوجوان را به حمله و دفاع آشنا می سازد.
- ۶- بازی های تعاونی که روح همکاری را تقویت می کند.

کودک برای اولین بار به بازی فردی می پردازد. در این مرحله مریبان باید اسباب بازی هایی را برایش آماده کنند که قوای فکری و هوش و استعداد او را ارتقا بخشد و جنبه فنی و تولیدی داشته باشد تا او را به کارهای مفید اجتماعی علاقه مند کند. بعد از مدتی کودک به بازی های اجتماعی می پردازد که شایع ترین بازی های دسته جمعی فوتبال، والیبال و بسکتبال است که بیش تر بچه ها اوقات فراغت خود را به اینگونه ورزش ها می گذرانند. این بازی ها اگر چه در تقویت جسم کودکان و نوجوانان سودمند است ولی عیب بزرگ دارد و آن این است که خیلی تهاجمی اند و خوی جنگجویی و ستیزه گویی را در کودک پرورش می دهد. زیرا کودکان در این بازی تمام توجه شان در این است که بر دیگران پیروز شوند و آنها را مغلوب سازند و این یکی از اخلاق زشت انسانی است.

«علم ممکن ساخته است که تعاون فنی جانشین رقابت در اقتصادیات و سیاست بین المللی گردد همانطور که رقابت را بصورت «جنگ» بسیار خطرناکتر از آنچه بوده است ساخته. به همین علل است که بشر امروزه خیلی بیش از سابق به پرورش فکر اقدامات تعاونی که «دشمن» آن بیشتر طبیعت مادی است احتیاج دارد نه عملیات رقابت آمیز و تراحمی و هم چشمی که در هر دو غالب و مغلوب آن بشر باشد» (برتراند، راسل، ۱۳۴۸، ص ۱۲۱) «عقیده مبتنی بر این مقیاس که قیمت فرد سوابق

ورزشی اوست، نشانه عجز عمومی ماست که نمی توانیم درك كنيم که برای احاطه یافتن در دنیای تازه، پیچیده و درهم محتاج معرفت و تفکر هستیم» (همان، ص ۱۲۲).

والدین و مربیان کودکان را به بازی‌هایی هدایت کنند که جنبه فنی داشته باشد و استعدادهاى او را برای فعالیت‌های اجتماعی در آینده پرورش دهد. بهترین روش که يك مربی آگاه می‌تواند در بازی کودکان اتخاذ کند این است:

- ۱- کودک را آزاد بگذارند تا با علاقه خود بازی کند.
- ۲- موضوع بازی را خود کودک انتخاب کند.
- ۳- برای او وسایل بازی آماده کنند.
- ۴- محیط درست برای آنها آماده کنند.
- ۵- اسباب بازی‌ها را طوری انتخاب کنند که بازی کردن با آنها قوای فکری کودک را تقویت کند و از طرف دیگر جنبه فنی و تولیدی داشته باشد تا او را به کاری مفید تشویق و او را برای فردای بهتر آماده سازد.

۱۱- بازی‌های خوب و جامع

کودکان و نوجوانان با توجه به سلیقه‌های گوناگون، بازی‌های مختلف می‌خواهند و این موضوع بستگی به سطح رشد و تکامل و احتیاجات فردی، قابلیت‌ها و ذوق و سلیقه آنها دارد و به طور کلی هر نوع بازی عامل پرورش فکری و روانی کودکان و نوجوانان نخواهد بود. بازی‌هایی می‌تواند نقش تربیتی داشته باشد که در رشد و تکامل آنها مؤثر باشد و متضمن نکات زیر باشد:

- ۱- کودکان و نوجوانان را به فعالیت بدنی وا دارد.
- ۲- کودکان و نوجوانان را به تفکر، تخیل و بکار انداختن نیروی تفکر و هوش وادارد. بازی‌هایی که او را به صورت تماشاگری صرف درآورد نقش تربیتی نخواهد داشت.
- ۳- فعالیت اجتماعی - با شرکت سایر اطفال و بزرگترها.
- ۴- ایجاد فرصت و موقعیت برای بروز نیروی ابداع و ابتکار.
- ۵- هر دو نوع بازی و فعالیت [هم بازی‌های رقابت‌آمیز و هم بازی‌هایی که مستلزم اشتراك مساعی است] منظور نظر قرار گیرد.

- ۶- اعطای اختیار و مجال برای انتخاب کردن نوع بازی و تغییر دادن به تناسب ذوق و سلیقه خود.
 - ۷- اختصاص ساعتی برای تکمیل طرح و نقشه‌ای جالب و مشغول کننده در صورت لزوم بذل مساعدت.
 - ۸- اختصاص محل مناسب در داخل و خارج خانه تا کودکان و نوجوانان به تنهایی و یا با هم سن و سال خود در بیرون خانه با کمال امن و امان و دور از هر گونه خطر در آنجا به بازی بپردازند.
 - ۹- میانه روی در هر کاری به ویژه بازی سودمند است و افراط در آن زیان های فراوانی به همراه دارند و فرد را از کارهای جدی و زیر بنایی باز می‌دارد. بسیاری از نوجوانانی به این دلیل از درس و تحصیل بازمانده و پس از آنکه به اشتباه خود پی برده سخت پشیمان شده ولی ندامت جز افسوس خوردن سودی ندارد.
 - ۱۰- رعایت ضوابط اخلاقی در بازی الزامی است. والدین باید سعی کنند کودکان را از بازی هایی که سبب اذیت دیگران می‌گردد یا برخورد آنان ضرر دارد باز دارند و به سوی بازی هایی سوق دهند که رشد فکری را به همراه داشته باشد. اگر کودک در این دوره به مردم آزاری عادت کند در آینده فرد خیانت کاری خواهد شد.
- در احوال پتر اول امپراتور روسیه که روس ها کبیرش می خواندند و امپراطوری ظالم و سنگدل بود، بیشتر مورخان عقیده دارند که او از دوران کودکی آزار و اذیت مردم را دوست داشت. در سال ۱۶۸۲ پتر گروهی از جوانان ولگرد را دور خود جمع می‌کرد به عنوان (بازی گروهی رزمندگان) باندی تشکیل داده بود. این گروه جز آزار و اذیت مردم کاری نداشتند و هر از چند گاهی به روستایی ها و قلعه ها حمله می‌کردند حتی در چند حمله عده‌ای از روستائیان هدف تیرهای نوجوان همبازی پتر قرار گرفته و به قتل رسیدند. سرانجام روستائیان و ساکنان قلعه به «سوفیا» خواهر پتر فرمانروای روسیه شکایت بردند. سوفیا پس از شنیدن شکایت آنان و به خصوص شکایت همراه با آه و زاری بازماندگان مقتولان با خون سردی گفت: «چه می‌شود کرد؟ طفل است بازی می‌کند».
- آری این چنین خونسردی و بی تفاوتی در تربیت پتر اول سبب شد که او مردی سنگدل و ستمگر به بار بیاید تا آنکه در زمان امپراتوری خویش حتی پسر خود را بی رحمانه زیر شکنجه کشت. (کریمی نیا، محمد علی، ۱۳۷۵، ص ۲۲۴).

نتیجه

در این پژوهش نقش بازی در رشد و پرورش جسمی و فکری کودکان و نوجوانان مورد بحث و بررسی قرار گرفت چنین حاصل شد در این محله از زندگی کودکان و نوجوانان نیاز فعالیت جسمی و بازی دارند و به این نیاز کودکان و نوجوانان توجه شوند و بدانند که پاسخ گویی به این نیاز اساس و پایه تربیت آنها را تشکیل می‌دهد و باعث رشد جسمی، روحی و روانی سالم در آنها می‌شود و عدم پاسخ گوی به این نیاز موجب بیماری جسمی و روانی و انحراف کودکان و نوجوان از مسیر عادی زندگی خواهد شد و مشکلات اساسی را در زندگی آنها پایه ریزی خواهند کرد. سلامتی جسمی، مهارت اجتماعی، متانت شخصیتی، شادابی روانی، سعادت اخروی فرزندان در پرتو بازی های خوب و جامع شکل می‌گیرد کودکان و نوجوانان وسیله بازی با دنیای خارج از خود به تعامل می‌پردازد و ارتباط منطقی برقرار می‌کند و در هنگام تعامل با محیط و افراد، عواطف و احساسات، خشم و نفرت، افسردگی و شادی و همه آرزوهای درونی و بیرونی خود را بروز می‌دهد. و در برابر مشکلات به راه حل منطقی فکر نمایند و خود را نمی‌بازد.

کتابنامه

- نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ترجمه محمد دشتی
- نجاتی، حسین، نقش تربیتی پدر و مادر و خانواده، تهران، ژرف، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش
- عطاران، محمد، آراء مریان بزرگ مسلمانان درباره تربیت کودک، تهران، فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- الکلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، قم، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الثانية، ۱۳۴۸ ش.
- حمیده، مهرزاد، بازی های پرورشی (مراکز تربیت معلم)، تهران، ایران، ۱۳۶۹ ش.
- حجتی، سید محمد باقر، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۸ ش.
- مهجور، سیامک رضا، روانشناسی بازی، شیراز، ساسان، چاپ هشتم، ۱۳۸۳ ش.
- حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر صلی الله علیه وآله و اهل بیت علیهم السلام [جلد اول: تربیت فرزندان]، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ش.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، الطبعة الثانية، ۱۴۱۴ ق.
- ابن ابی فراس، ورام، مجموعه ورام، قم، مکتبه الفقیه، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ش.
- النوری الطبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ ق
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه با همکاری علی محمد کاردان و دیگران، فلسفه تعلیم و تربیت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
- بهشتی احمد، تربیت کودک در جهان امروز، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۷ ش.
- غلامی، غلام علی، بررسی دیدگاه های مختلف در بازی، مجله تربیت، سال پانزدهم، شماره ۵.
- صدوق، ابی جعفر محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه المدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- طبری، عماد الدین، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، الطبعة الاولى، ۱۴۲۰ ق.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم، قم، پیام اسلام، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ش.
- راسل، برتراند، تربیت، ترجمه عباس شوقی، تهران، عطایی، چاپ چهارم، ۱۳۴۸ ش.
- کریمی نیا، محمد علی، الگوهای تربیت کودکان و نوجوانان، تهران، ذچاپخانه نهضت، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.